



اندیشه مطهر
پایگاه مقاومت شهید مطهری دانشگاه فردوسی
اردیبهشت ماه ۱۳۹۱ شماره ۵۸

خشم لبریز از مهربانی:

مهربانی و لطافت مادر را بارها یاد کرده ایم و ستوده ایم، ولی من، لحظه های ناب خشم و قهر او را نیز می ستایم؛ لحظاتی که پایم در راه می لغزید و سوی بیراهه می رفتم؛ لحظاتی که دست به خطا می بردم و از سر جهل راه عصیان پیش می گرفتم. نه به کلام او دل می سپردم و نه به نگاه زنهار زده اش وقعی می نهادم. سر در جیب جهالت فرو کرده، راه خود می رفتم و او چون کوهی سترگ، راه بر من می بست. چون رودی خروشان می خروشید، آن گونه که خود را خردتر از آن می دیدم که نافرمانی کنم و چه زود پرده جهالتم دریده می شد و چشم دلم گشوده، و می دیدم که با آن خشم لبریز از مهربانی اش، چگونه راه مرا بر پرتگاه خطا بسته است و آن گاه، فروتنانه به سپاسش می نشستیم.

فاطمه علیهاالسلام، راز آفرینش زن

منشور ملکوتی فاطمه علیهاالسلام را از ابعاد مختلف باید نگریست. معدود زنانی نامهای خود را بر گذرگاه تاریخ حک کرده اند، اما اینان زنانی بوده اند که یک شاخه از نهال وجودشان را به باروری و تجلی نشسته اند. نام آسیه را دستهای شہامتش حک کرده است و نام مریم را چشمهای قداستش و

حتی نام خدیجه را قلب رافتش. اما شخصیت فاطمه علیهاالسلام، منشوری چند بُعدی است که با افق دیدهای مختلف شایسته بذل توجه است.

فاطمه و علی علیهماالسلام

فاطمه کسی است که با نه سال زیستن همگام با علی، در گام گام علی و لحظه لحظه علی، تنفس علی و سرنوشت علی تأثیری جاودانه و ملموس گذارد.

فاطمه کسی است که تبسم را بر لبان علی نقش می بندد.

فاطمه کسی است که خستگی مجادله نابرابر علی را با حرامیان از سرانگشتان قلبش بیرون می کشد.

فاطمه کسی است که چهارجوبه خانه کوچک و صمیمی علی را بر دفتر تاریخ با خطوط ابدی ترسیم می کند.

فاطمه التیام بخش جگر دندان خورده علی علیه السلام است.

فاطمه کسی است که صبر را در جان علی می ریزد و میوه حلم از چشمان او می چیند.

فاطمه عصاره مظلومیت علی است.

فاطمه کسی است که پاهای علی را در مقابل یتیم به لرزه می افکند.

فاطمه اشک علی است، قلب علی است. در انتخاب مادر از میان دو زن، مهر فاطمه است که در قلب علی قضاوت می کند.

فاطمه الهام بخش وحدت در خانواده پراکنده اسلام است.

مگر نه این که در محشر مفتاح جنت در دستان مبارک فاطمه است و اذن دخول بهشت، رضایت و محبت اوست؟

القاب حضرت فاطمه علیها سلام

حضرت صدیقه طاهره علیها سلام، نام ها و القابی دارند که برخی آسمانی اند و از سوی پروردگار تعیین شده و بعضی از سوی برگزیدگان الهی. نام های آسمانی، نه اسم است که در حدیث ذیل آمده است. امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: برای فاطمه(س)

پیری توان را از او ربوده بود، پیامبر به سویی رفت و جویای حالش شد. آن مرد پاسخ داد: ای رسول خدا(صلی الله علیه و آله وسلم)، فقیری پریشان حالم، گرسنه ام مرا طعام ده، برهنه هستم مرا بپوشان، بینوایم گرهی از کارم بگشا. پیامبر فرمود: اکنون چیزی ندارم ولی «راهنمای خیر چون انجام دهنده آن است.» سپس او را به منزل فاطمه(علیها السلام) راهنمایی کرد. پیرمرد فاصله کوتاه مسجد و خانه فاطمه(علیها السلام) را طی کرد و دردش را برای او گفت. زهرا(علیها السلام) فرمود: ما نیز اکنون در خانه چیزی نداریم، سپس گردن بندی را که دختر حمزه بن عبدالمطلب به او هدیه کرده بود از گردن باز کرد و به پیرمرد فقیر داد و فرمود: این را بفروش ان شاء الله به خواسته ات برسی. مرد بینوا گردن بند را گرفت و به مسجد آمد. پیامبر همچنان در میان اصحاب نشسته بود. عرض کرد: ای پیامبر خدا(صلی الله علیه و آله وسلم)، فاطمه(علیها السلام) این گردن بند را به من احسان نمود تا آن را بفروشم و به مصرف نیازمندی ام برسانم. پیامبر گریست. عمار یاسر عرض کرد: یا رسول الله! آیا اجازه می‌دهی من این گردن بند را بخرم؟ پیامبر فرمود: هر کس خریدارش باشد خدا او را عذاب ننماید. عمار یاسر از اعرابی پرسید: گردن بند را چند می‌فروشی؟ مرد بینوا گفت: به غذایی از نان و گوشت که سیرم کند، لباسی که تنم را بپوشاند و یک دینار خرجی راه که مرا به خانه ام برساند. عمار پاسخ داد: من این گردن بند را به بیست دینار طلا و غذا و لباسی و مرکبی از تو خریدم. عمار مرد را به خانه برد و او را سیر کرد، لباسی را به او پوشاند، او را بر مرکبی سوار کرد و بیست دینار طلا هم به او داد، آن گاه گردن بند را با مُشک خوشبو ساخت و در پارچه ای پیچید و به غلام خود گفت: این را به رسول خدا(صلی الله علیه و آله وسلم) تقدیم کن، خودت را هم به او بخشیدم. پیامبر(صلی الله علیه و آله وسلم) نیز غلام و گردن بند را به فاطمه بخشید. غلام نزد فاطمه آمد. آن حضرت گردن بند را گرفت و به غلام فرمود: من تو را در راه خدا آزاد کردم. غلام خندید.

فاطمه(علیها السلام) راز خنده اش را پرسید. پاسخ داد: ای دختر پیامبر! برکت این گردن بند مرا به خنده آورد که گرسنه ای را سیر کرد، برهنه ای را پوشاند، فقیری را

نزد خدای عزوجل، نه اسم است: "فاطمه، صدیقه، مبارکه، طاهره، زکیه، راضیه، مرضیه، محدثه، زهرا" آنچه این نام ها را برای ایشان فضیلت قرار داده این است که نامهای حضرتش حاکی از صفتی والاست که در وی وجود داشته است و چون نام های دیگر افراد نیست، که صاحب نام از معنی نام خود هیچ بهره ای نبرده باشد.

ام ایها: یعنی مادر و دلسوز پدرش.

-ام الحسن، ام الحسین: مادر حسن(ع) و مادر حسین(ع).

- حانیه: یعنی آن که با شوهر و فرزندان بسیار مهربان است.

- الحره: یعنی بانوی آزاد.

- حصان: یعنی پارسا و عقیف

- حورا / حورای انسیه: یعنی انسانی زمینی که از حوریان بهشتی است.

- سماویه: یعنی گرانها، گوهری آسمانی

- سیده، سیده نساء العالمین: یعنی بزرگ بانوی جهانیان

- عذرا: یعنی آن بانو پیوسته همچون دوشیزگان بود.

- فاطمه: یعنی آن که خود و شیعیانش از آتش بازداشته (و در امان نگاه داشته) شده اند.

. محدثه: یعنی آن که فرشتگان با او سخن گویند.

- مرضیه: یعنی آن که خداوند پیوسته از او و کردارش راضی است.

- مریم کبری: یعنی مریم بزرگ

- منصوره: یعنی یاری شده از سوی پروردگار.

- نوریه: یعنی فاطمه وجودی از نور است و انوار او تا ابد آفاق زندگی بشریت را روشن می سازد.

گردن بند با برکت

روزی پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله وسلم) در مسجد نشسته بود و اصحاب به دورش حلقه زده بودند. پیر مردی با لباسهای ژولیده و حالتی رقت بار از راه رسید، ضعف و

غنی نمود، پیاده ای را سوار نمود، بنده ای را آزاد کرد و عاقبت هم به سوی صاحب خود برگشت.

آموزش دیگران

فاطمه زهرا(علیها السلام) با بیان احکام و معارف اسلام، زنان را به وظایفشان آشنا می‌ساخت. فضّه خدمتگزار فاطمه(علیها السلام)، که از شاگردان و پرورش یافتگان مکتب اوست در مدت بیست سال جز با آیات قرآن سخنی نگفت و هر گاه قصد بیان مطلبی را داشت با آیه ای متناسب از قرآن، منظور خویش را بیان می‌کرد. فاطمه(علیها السلام) نه تنها از فراگرفتن دانش خسته نمی‌شد، بلکه در یاد دادن مسائل دین به دیگران از حوصله و پشتکار فراوانی برخوردار بود.

روزی زنی نزد او آمد و گفت: مادری پیر دارم که در مورد نماز خود اشتباهی کرده و مرا فرستاده تا از شما مسأله ای بپرسم. زهرا(علیها السلام) سؤال او را پاسخ فرمود. زن برای بار دوم و سوم آمد و مسأله پرسید و پاسخ شنید، این کار تا ده بار تکرار شد و هر بار آن بانوی بزرگوار، سؤال وی را پاسخ فرمود. زن از رفت و آمدهای پی در پی شرمگین شد و گفت: دیگر شما را به زحمت نمی‌اندازم.

فاطمه(علیها السلام) فرمود: باز هم بیا و سؤالهایت را بپرس، تو هر قدر سؤال کنی من ناراحت نمی‌شوم، زیرا از پدرم رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم) شنیدم که فرمود: روز قیامت علمای پیرو ما محشور می‌شوند و به آنها به اندازه دانششان خلعت های گرانبها عطا می‌گردد و اندازه پاداشی به نسبت میزان تلاشی است که برای ارشاد و هدایت بندگان خدا نموده‌اند.

صدیقه طاهره، همتای قرآن کریم

[وجود مبارک صدیقه کبرا فاطمه زهرا (سلام الله علیها) سیره و سنتی دارد که معرف هویت اوست؛ چون این ذات پر برکت همانند سایر ذوات قدسی همتای قرآن کریم‌اند و قرآن کریم عباراتی دارد، اشاراتی دارد، لطایفی دارد، و حقایقی؛ چه اینکه از امام حسین (علیه السلام) و امام صادق (سلام الله علیه) رسیده است که قرآن به چهار بخش تقسیم می‌شود، چهار درجه دارد: یک درجه‌اش برای توده مردم است به نام عبارات

قرآن؛ برتر از آن اشارات قرآن است و والاتر از آن لطایف قرآن است و قله قرآن حقایق قرآن است که مخصوص انبیاست. [۲] صدیقه کبرا هم که از ذوات قدسی عترت (علیهم الصلاه و علیهم السلام)‌اند، سیره و سنتی دارد که بخشی جزء عبارات آن سیره است، توده مردم از آن بهره می‌برند؛ بخشی مربوط به اشارات سیره آن حضرت است که خواص استفاده می‌کنند و بخشی مربوط به لطایف سیره و سنت آن حضرت است که اخص بهره می‌برند و بخشی مربوط به حقایق فاطمیه است که انبیا استفاده می‌کنند و دیگران طرفی نمی‌بندند؛ بحث درباره آن حضرت در حقیقت همانند بحث درباره قرآن کریم است

عَنْ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ (عَلَيْهَا السَّلَامُ): «مَنْ أَعْصَدَ

إِلَى اللَّهِ خَالِصَ عِبَادَتِهِ أَهْبَطَ اللَّهُ إِلَيْهِ أَفْضَلَ

مَصْلَحَتِهِ.»

هر که عبادت خالصش را به سوی خدا بالا فرستد، خداوند متعال برترین بهره و سودش را به سوی او پایین فرستد.

شنید گوش دلم مزده از ولادت زهرا

گشود بلبل طبعم زبان به مدحت زهرا

فضای کعبه منور شد از فروغ جمالش

صفا گرفت از صفای صورت زهرا

خدای اکبر و اعظم نکرده خلق به عالم

ز نسل حضرت آدمی زنی به شوکت زهرا